

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و سوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 30 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در بحث تمسک به آیات برای حجیت خبر واحد هستیم؛ تا الان آیه مبارکه نباء و نفر بررسی شد و هیچ کدام از این دو آیه، دلالت بر حجیت خبر واحد نداشت بلکه از آیه نباء عدم دلالت استفاده می شد.

آیه سوم: آیه حرمت کتمان؛ این آیه در مورد اهل کتاب به خصوص نصاری است به اینکه اهل کتاب نشانه های پیامبر اسلام را نگفته اند و کتمان کرده اند؛ در آیات متعدد قرآن از این رویه خدای تعالی گلابه می کند؛ یکی از این آیات، آیه 159 بقره است: ان الذين يکتمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بیناه للناس اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون.

برخی بر این آیه تمسک کرده و حرمت کتمان و وجوب اظهار حق را برداشت کرده اند و فرقی هم قائل نیستند بین کتمان نبوت، رسالت، خبر و... و از طرفی هم گفته اند معنا ندارد کتمان حرام و اظهار واجب باشد اما شنیدن این اظهار واجب نباشد چرا که در این صورت لغویت اخبار پیش می آید پس خبر واحد قابل پذیرش است.

مثال: در قرآن گفته شده اگر زن حامله است و کتمان بکند و برود با مردی ازدواج بکند این حرمت به عهده زن است و زن گنهکار است پس وقتی به خانم ها گفته می شود آنچه در ارحام دارید اظهار کنید این معنایش این است که سایرین شهادت و اخبار این زن را قبول کنند.

استدلال موافقان به این آیه عموماً از طرف اصولی ها رد شده است از جمله رد کنندگان، مرحوم آخوند خراسانی است ایشان می فرماید اگر اظهار علمای یهود و عدم قبول سایرین مستلزم لغویت بود استدلال به این آیه درست بود ولی وجوب اعلان بر علمای یهود و عدم قبول از سوی مردم (در صورتی که علم آور و یقین آور نباشد) مشکلی ندارد و لغویتی لازم نمی آید. استاد علیدوست: دقیقاً ما نمی دانیم چه کسی موافق حجیت خبر واحد توسط این آیه است اما آنچه مسلم است این است که این آیه مطرح شده است.

تقریری از سوی استاد برای موافقین: ما به ملاک لغویت نمی گوییم که قبول خبر واجب است بلکه به لحاظ ظهور عرفی می گوییم بین وجوب اعلان و وجوب قبول ملازمه است. و از طرفی هم قید علم و اطمینان و... در آیه نیامده است که ما وجوب قبول را مقید به آن کنیم؛ و لذا این آیه به این راحتی قابل رد نخواهد بود.

اشکال: این آیه چون در مورد اعتقادات است در پذیرش اعتقادات علم و یقین معتبر شده است پس این آیه ربطی به حجیت خبر واحد در غیر امور اعتقادی که در آنها ذیقین و علم شرط نیست ندارد و همچنین معنا ندارد که آیه شامل مورد خودش (اطمینان و یقین) نشود و دلالت بر حجیت فرض دیگری بکند (خبر واحد در غیر اعتقادات)

محقق اصفهانی: این آیه فووقش دلالت بر حرمت کتمان دارد نه وجوب اعلان و لذا ممکن است گفته شود آیه فقط حرمت کتمان را بیان می کند و به بیش از حرمت کتمان دلالت ندارد و آنچه که موجب لغویت می شود ملازمه بین وجوب اعلان و پذیرش خبر است.

محقق ایروانی: مانند دیگران دلالت آیه را بر حجیت خبر واحد نمی پذیرد اما یک اضافه ای در کلام ایشان دیده می شود که عبارت است از: این آیه هر چند اعتبار خبر واحد را نمی رساند اما امضاء بنا عقلا را می رساند یعنی مردم چنین بنای دارند که حرف بزرگان دینی خودشان را قبول می کنند و این آیه امضای از سوی خدای متعال به اخذ به خبر واحد است پس این آیه بنای عقلا را امضا کرده و حجیت خبر واحد را به وسیله بنا عقلا می رساند.

استاد: البته ما همین حرف را هم که آیه دلالت بکند بر امضای بنا عقلا از محقق ایروانی نمی پذیریم و این را نوعی تحمیل کردن

به آیه می دانیم.

البته: امضا بنا عقلاً منحصر به این آیه نیست بلکه با سکوت شارع هم امضا محقق می شود.

به برخی دیگر از آیات موافقان حجیت خبر واحد تمسک کرده اند مانند آیات زیر:

آیه وجوب سوال: فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ... گفته شده این آیه وجوب سوال را به دنبال دارد و وجوب سوال

پذیرش جواب را به دنبال دارد و... همان مطالبی که در آیه بالا گفتیم اینجا هم اشکالا و جوابا جریان دارد.

آیه اذن: به پیغمبر می گفتند پیغمبر اذن خیر است چرا که به حرف دیگران اعتنا می کند و این پذیرش از ناحیه پیامبر با قبول

خبر واحد سازگاری دارد.

**و الحمد لله رب العالمین**